

# هواشنمایی گزارشی



گزارشی از زندگی و روزگار ماهرانی که اسب‌های اصیل پرورش می‌دهند

## دایه‌های مهربان حیوان نجیب

گزارش رابعه تیموری روزنامه‌نگار

امان «ریو کینگ» را روی تخم چشمش بزرگ کرد. از همان لحظه‌ای که مادر زیبا و جوان ریو کینگ سر زارفت و کره‌اش را تنها گذاشت، مهتر جوان دایه غمخوار کرد اسب

یتیم شد. کمکش کرد که به تنها بی روی پاهای نحیفش بایستد و شیر آغوزی را که در آخرین لحظات زندگی مادر باصل و نسبتش دوشیده بود، در دهان او گذاشت.

شب تاصبح هم کنارش ماند و در حالی که اشک چشمش از غم «جوانم ریو دوندسر» خشک نمی‌شد، کره اسب را با محبت تر و خشک کرد. هر دم بخاری نفتی اتاقی که امان برای کره بی‌مادر دست و پا کرد، گرمای آغوش مادرش - ریو دوندسر - را نداشت، ولی کافی بود که ریو کینگ باهوش و زیرک تقای عاشقانه امان برای زنده ماندن خود را حس کند و زنده بماند؛ نه آنکه فقط زنده بماند، بلکه در عین ناباوری همه قهرمان شود. تا آن روز کسی به خاطر نداشتش که کره اسبی دست آموز و بی‌مادر به مقام

شبه تاصبح هم کنارش ماند و در حالی که اشک چشمش از غم «جوانم ریو دوندسر» خشک نمی‌شد، کره اسب را با محبت تر و خشک کرد. هر دم بخاری نفتی اتاقی که امان برای کره بی‌مادر دست و پا کرد، گرمای آغوش مادرش - ریو دوندسر - را نداشت، ولی کافی بود که ریو کینگ باهوش و زیرک تقای عاشقانه امان برای زنده ماندن خود را حس کند و زنده بماند؛ نه آنکه فقط زنده بماند، بلکه در عین ناباوری همه قهرمان شود. تا آن روز کسی به خاطر نداشتش که کره اسبی دست آموز و بی‌مادر به مقام



حتی اگر محمود دهانه «ریوشیک» را رها کند، او رام و راهوار به دنبالش می‌آید. نه فقط حالا که ۱۴ سالش شده و مادر یک کره نجیب است؛ او همان روزهایی که اسب یک‌ناز و بی‌رقب گروه یک مسابقات تر کمن صحرا ایستاد، مقابل محمود سر کشتی نمی‌کرد. وقتی ریوشیک غریب و خسته به خاک ایران پا گذاشت، محمود آق نخستین کسی بود که تیمارش کرد و آنقدر دل به دلش داد که درد دوری و



مهد پرورش اسب‌های ترکمن به پایتخت شلوغ و زمخت آمده‌اند و از کودکی به شنیدن شیشه‌های سرخ‌شانه اسب‌ها خو گرفته‌اند، اما حکایت کریم هدایت، قصه مفصل‌تری دارد. آقا کریم و برادرانش عضو تیم ملی سوار کاری بوده‌اند و کاب طلای مسابقات ایلیتی بزرگ ایرلند تنها یکی از جوایز این جایک‌سوار کهنه‌کار است.

به چشم آقا کریم قفسنگ‌ترین اتفاق دنیای پرورش دهندگان اسب دخترزا بودن مادبان هاست! او روزهایی را به‌خاطر دارد که در هر محله استان البرز یک مرکز پرورش اسب کورسی وجود داشت، اما در چند سال اخیر این مرکز یکی یکی تعطیل یا تعداد اسب‌های آنها کم و انگشت‌شمار شدند. آقا کریم می‌گوید: «تا چندماه پیش ما از ۱۰۰ رأس کره اسب، نریان و مادبان نگهداری می‌کردیم و مشتریان زیادی داشتیم، اما حالا گرانی علوفه و خوراک اسب باعث شده افراد عادی از پس تأمین هزینه‌های نگهداری اسب برنایند و خریداران اسب، بسیار کم شوند.» تعداد اسب‌هایی که هدایت و آقا ها نگهداری می‌کنند، به ۴۵ رأس رسیده‌اند و او دواپس روزی است که بساط صنعت پرورش اسب کورسی به کلی از ایران برچیده شده.

پاکیزه کردن ۷هکتاری که «وان من باند» «ریو انجی» دوستانتش در آن زندگی می‌کنند، بر عهده آقا هرمز عابدی هرمز تا وقتی در قدمگاه نیشابور است.

زندگی می‌کرد، به کشاورزی و دامداری مشغول بود و از شوق دواپس‌های دنیای این حیوانات نجیب خبر نداشت، اما از ۲۰سال پیش که به تهران آمده به نظافت و باغبانی حیاط و باغ و باغچه این خانه مشغول است. نگهبانی خانه خاص روستای آران هم بر عهده باغبان نیشابوری‌اش است، اما تنها سارقانی که در این ۲۰سال هوس دستبرد به این خانه به سرش زده به هوشیاری او تا کام مانده‌اند. آقا هرمز، امان و همسر همسایگی اسب‌ها و در همین خانه زندگی می‌کنند و همسر مهربان آقا هرمز پایه پای او برای ساکنان نجیب و گران‌قیمت این خانه زحمت می‌کشد.

### یک خانه خاص

خانه بزرگ و دلباز ریو کینگ، نیشویک، وان من باند و ۴۲ رأس اسب نر و ماده دیگر در یکی از کوچه پس‌کوچه‌های روستای آران قرار گرفته‌اند. کنار تابلوی کوچکی که عدد ۱۳۸۵ به‌عنوان سال تأسیس مرکز روی آن نوشته شده، در اهنگی بزرگی به چشم می‌خورد که به محض باز شدن آن حیاطی سرسبز و پاکیزه به زیبایی رخ‌نشان می‌دهد. در این خانه سپیده‌زده باز می‌شود. امان و محمود ساعت ۴صبح کف مانتر را بر از پنجه می‌کنند. فضای مسقف مدور مانتر که وسط حیاط علم

شده، به دستگه‌های اسب گردان شهر بازی‌ها شباهت بسیاری دارد. کره‌ها و مادبان‌ها محل گشت‌و‌گذار دم صبح خود را خوب می‌شناسند و همین که در اصطبل‌ها باز می‌شود، با شیطنت سرخوشی به طرف آن می‌دوند. ورزش صبحگاهی اسب‌های «سیلمی» برهیجان‌تر است و در «لنر» برقی که حکم تردمیل این آقایان نجیب‌زاده را دارد، ساعتی جست‌و‌خیز می‌کنند.

### ۲ سالگی آغاز تاخت و تاز

تقسیم اصطبل‌ها نظم و نسقی خاص دارد و «ریو ریس» که وقتی قوه جوانی باد به پره‌های دماغش می‌اندازد، هیچ چیز جلودار شلتاق‌هایش نمی‌شود، نمی‌تواند در یادوک (مزرعه) جمع و جور و کوچک مادرش «میدانیت کلر» بچرد و سرخوشی کند. در همسایگی یادوک «میدانیت کلر» سالن درمان اسب‌ها قرار گرفته که علاوه بر آنکه دل درد و خستگی و بی‌تابی حیوان در آن درمان می‌شود، در گوشه آن سولاریوم و باسکولی هم مهیا شده تا اگر تاخت و تاز حیوان به عرق نشست، تن تبارش را خشک و خنک کنند و با اندازه‌گیری گاه و بی‌گاه ورزش مانع فرقه شدن و لاغریش شوند. در زین خانه که دیوار به دیوار بدو خانه جانشین کرده، انواع زین، تنگ، سینه‌بند، تسمه و رکاب وجود دارد تا وقتی اسب‌ها به دوا سالی رسیدند، زین بر کرده آنها گذاشته شود و برای ورود به دنیای بزرگسالی آماده شوند. آنها برای رسیدن به قهرمانی و ماندگار کردن نام‌شان ۸-۹سال بیشتر فرصت ندارند و پس از آنکه دیگر جان تاخت و تاز در مسابقات نفسگیر کورس را نداشتند، دوران زاده و ولد آنها فرامی‌رسد.

رخت و لباس این قهرمانان تیزپا به «جل» نه چندان گرم و نرمی خلاصه می‌شود که زمستان هیکل ظریف و حساس آنها را می‌پوشاند، ولی خورد و خوراکشان حساسی ویژه و لاچری است و فقط کساستره و مکمل‌های وارداتی مصرف می‌کنند که قیمتشان هر روز تصاعدی بالا می‌رود. وقتی هم کارشان به دوا و درمان می‌رسد، حتی بعضی از دامپزشکان هم نمی‌توانند حدس بزنند دارو‌هایی که به‌عنوان داروهای گران‌قیمت خارجی یا تولیدات لابراتوارهای داروسازی معتبر داخلی به حیوان می‌خورانند، اصل هستند یا محصولات تولیدشده توسط شیادان این صنعت که با تولید داروی تقلبی جان اسب‌های نجیب و سرمایه صاحبان صنعت پرورش اسب را به بازی می‌گیرند.



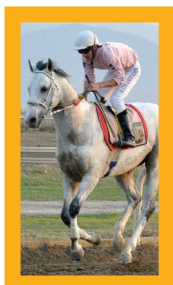
### یک پایان تلخ

امان آق چند سالی از محمود با تجربه‌تر است و زودتر از او از گنبد کاووس به تهران آمده است. ریو کینگ تیم تنها کره اسبی نبوده که مهربانی‌های امان او را به سکوی قهرمانی جهان رسانده است. او در ذره‌ذره قد کشیدن قهرمانان نامدار زیادی مانند «وان من باند» و «یوان جی» را هم تماشا کرده است. مهتر جوان دیگر آنقدر با اسب‌ها دمخور بوده که می‌تواند لحظه زایمان مادبان را حدس بزند و از ادا و اطوار، ضربان قلب و رنگ و روی حیوان تشخیص دهد خوراکش کم و زیاد بوده و روده‌اش به بیچ و تاب افتاده، دمای بدنش بالا و پایین رفته یا دلش تنگ است و به ناز و نوازش احتیاج دارد. روزی که مجبور شدند به زندگی «سامر» پایان دهند تا از درد خلاص شوند، یکی از بدترین روزهای بوده که امان به چشم دیده است. پای «سامر» دو لدرومر» که در کورس‌های مختلف بیشتر از یک میلیون دلار جایزه درو کرده بود، موقع دستگیردانی و جست‌و‌خیز در میدان کوچک روستای آران شکسته بود و اگر در ایران مانند بسیاری از کشورهای پرورش دهنده اسب دم و دستگاه و تجهیزات شکسته‌بندی و جراحی وجود داشت، می‌توانستند در آن شکسته سامر پلاتین قرار دهند و او دوباره سراپا شود، ولی حتی سیستم بیهوشی حیوان در اینجا وجود ندارد و روزهای زندگی پرافتخار اسب «سیلمی» بزرگ و نامدار به تزریق آمپولی که او را از درد خلاص می‌کرد، ختم شد...

### جایک‌سوار تیم ملی حلا سرپرست است

امان، محمود و اغلب ماهرانی که اسب‌ها را تیمار می‌کنند، از

### دیار



### ۱۳ قهرمانی

کارنامه افتخارات «اوسین بولست» نیلسه محبوب تر کمن صحرا است که پدرش «سیتی لیدر» است. در دنیای سوار کاری این رکورد یک‌قسه شگفت‌انگیز است.



### ۱۰۰ رأس

کره اسب، نریان و مادبان که در این مرکز نگهداری می‌شدند اکنون به ۴۵ رأس رسیده‌اند و افراد محدودی از پس نگهداری اسب و پرداخت هزینه‌های آن بر می‌آیند.

### درساز

### صادرات اسب نداریم



خون نرینه‌های سلیمی در رگ‌های مادبان‌های اسبم و رسم‌دار زیادی جریان دارد که صاحبان‌شان آنها را برای کره‌دار شدن مدتی به این مرکز سپرده‌اند. این مادبان‌ها پس از تولد در کشورهای صاحب صنعت پرورش اسب، از والدین‌شان جدا و راهی ایران شده‌اند تا پس از اختلاط ژنی با اسب‌های سلیمی اصیل، نسل‌شان ارتقا پیدا کند و کره‌هایی ارز‌شمند و تیزپا به‌وجود آورند. البته پیش از سفر اصل و نسب آنها در بسته میکروچیپی که زیر پوست بدن و لب‌شان خالکوبی شده، ثبت و ضبط می‌شود تا اگر تبارشان در شناسنامه و پاسپورت هم دقیق و درست آورده نشده بود، باز کرد روی بسته میکروچیپ اصلت و حرف‌های بودن رگ خونی‌شان را ثابت کند. این مشخصات و نقل و انتقال اسب‌ها هم در تبارنامه جهانی معتبری نوشته می‌شود که جای هیچ خطا و اشتباهی باقی نماند و مشخص باشد کره‌ها در اصطبل کدام پرورش دهنده اسب بزرگ می‌شوند. از آنجا که در کشور ما قریباً تعریف نشده، کره‌های تولید شده در مراکز پرورش اسب ایرانی هر قدر هم ممتاز و نامدار شوند، نمی‌توانند آنها را به سایر کشورها صادر کنند و فقط به شهرهایی مانند یزد، اهواز و گنبد کاووس فرستاده می‌شوند.

### کورس

### مسابقات اسبدوانی: ۲۲ بهمن



### ۲ سالگی

سنی است که بر کرده اسب‌ها زین گذاشته می‌شود و برای ورود به دنیای بزرگسالی آماده شوند.

تا چند سال پیش مسابقات کورس اسبدوانی که در نوروز آباد برگزار می‌شد، لحظات شاد و پرهیجانی را برای تهرانی‌ها می‌ساخت، اما در چند سال اخیر این مسابقات فقط در گنبد کاووس برگزار می‌شود و کمبود امکانات این شهر بسیاری از علاقه‌مندان هنرمندی این حیوان نجیب را از تماشا مسابقات محروم کرده است. مسابقات کورس اسبدوانی گنبد کاووس امسال هم در ۲۲بهمن ماه برگزار می‌شود و جایزه یک‌میلیارد تومانی مسابقه نصب اسب‌های برتر می‌شود، اما آنچه در این مسابقات و سنای کورس‌های اسبدوانی باعث نگرانی سوارکاران و صاحبان اسب می‌شود، شرط‌بندی سودجویان و قماربازانی است که خارج از زمین مسابقه و با شرط‌بندی روی باخت اسب‌های قهرمان همه معادلات و قوانین عادلانه و شرافتمندانه مسابقه را برهم می‌زنند. در چند سال اخیر برگزار کنندگان مسابقات همتی جانانه به خرج دادند و نه تنها کاسی این کاسبان بی‌مرام را کساد کردند، بلکه بساط دوپینگ هم از این مسابقات برچیده شد و برای اسب‌هایی که به ضرب و زور آمبول‌های دوپینگ و مصرف مواد مخدر برای شرکت در مسابقات آماده می‌شدند رسیدن به خط پایان رویایی دست‌نیافتنی شده است، اما صاحبان صنعت پرورش اسب معتقدند اگر متولیان برگزاری مسابقات برای حفظ این دستاورد ارز‌شمند عزمی جدی نداشته باشند، بذرفساد دوباره جان می‌گیرد و پرفوت‌تر از گذشته مسابقات اسبدوانی را قبضه و صنعت پرورش اسب را به زانو در می‌آورد.

### ۹ سال

اسب‌ها برای رسیدن به قهرمانی و ماندگار کردن نام‌شان فرصت دارند و پس از آنکه دیگر جان در مسابقات نفسگیر کورس را نداشتند، دوران زاده و ولد آنها فرامی‌رسد.